

بررسی و تحلیل جریان تقابل بینش‌ها در گفتمان منش‌ها،

اسلام و غرب و ضرورت طراحی الگوی سوم زن

عزت السادات میرخانی^۱

چکیده

زن مسلمان، در جهان کنونی با بسیاری از بحران‌های عصری خود و از آن جمله، جنگ شناختی و ترکیبی خاص، در مواجهه جدی قرار دارد. چهره کریمه سلطه‌گری در زیر نقاب فریبکارانه (زن، زندگی...) او را به مواجهه‌ای عالمانه عاقلانه و حکیمانه فرا می‌خواند، و ضمن آنکه تقابل جنگ ترکیبی او را به عرصه مستقیم مبارزه و جانبازی مستقیم کشانده است. در این نوشتار با روش تحلیل گفتمان، شیوه‌های پاسخگویی به مطالبات زنان در جهان به طور عام و مطالبات زن مسلمان، به طور خاص، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد امروز زن مسلمان در تقابل نظرات و تضارب آراء قرار دارد؛ او نمی‌تواند بین مطالبات واقعی‌اش و مطالعات مدعیان پاسخگویی تعادل برقرار کند و به دنبال الگویی جامع و نافع است. حرکت مدعیان گفتمان زنان در دو قرن اخیر، که بر مبنای معیارهای وارداتی و بین‌المللی شکل گرفته‌اند، نتوانسته‌اند گره مسایل زنان را گشوده و پاسخ‌هایشان با نیازهای معقول زن مسلمان هم‌راستا نیست. پیشنهاد راه‌حل در فرهنگ توحیدی ابراهیمی، ندای حکیمانه علوی، سیره فاطمی و زینبی جستجو می‌شود؛ جایی که می‌توان الگوی سوم زن را بر پایه سلوک زینبی و تفکر اجتهادی اصول‌گرا تدوین کرد.

واژگان کلیدی: بحران‌های عصری، زن مسلمان، مدعیان پاسخگویی، الگوی سوم

۱ - مدرس و محقق علوم اسلامی در حوزه و دانشگاه، حوزه علمیه تهران، استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام، مدرس دانشگاه جامع



طرح مسأله

به رغم همه تحولات در سده‌های گذشته و تظاهر بر حمایت‌های مدعیان دروغین حقوق بشر از زنان، امروزه بیش از هر زمان و ایجاد بحران‌های تحمیلی برگرفته از اهداف سران استکبار و طراحان سلطه برای جهان اسلام، تولید، تحدید براساس جنگ شناختی و ترکیبی، تدارک نفی خودباوری و زندگی تقلیدی در زنان، تبلیغات گسترده در ایجاد نگرش‌های غلط و بدبینی در باب منش اسلامی و ادعای خوانش تبعیض گونه علیه زنان در بینش توحیدی، داعیه داری دروغین از حقوق زن بر مبنای تفکر انسان مدار، گسترش گفتمان براساس نفاق میان ادعا و عمل، توسعه بی‌مانند در عرصه‌های ابزار جنگ گرم و نرم، کشتار جمعی زنان و کودکان و مضایقه از اولی‌ترین امکانات حیات و... سبب شده‌است، زن مسلمان را در مواجهه‌ای جدی در تضارب آراء و رسالت احیاءگری و بیداری در گرایش‌ها و نگرش‌ها قرار دهد.

زن مسلمان، نه موضع بی‌حرکی و انجماد، نه معارضه با فطرت پاک انسانی و نه نفی غیرت ملی را پذیراست، بلکه براساس فرهنگ قویم و تمدن دیرینه انسانی - اسلامی احساس مسئولیتی کارساز دارد، تا رسالت الهی «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹) در تقابل جهانی اسلام و کفر را محقق سازد.

اگرچه در عرصه جهانی، در ظاهر میان زن مسلمان با سایر زنان در غرب و شرق، مطالبات مشترکی وجود دارد، اما مسایل زن مسلمان و مطالبات اوکه از بینش توحیدی و منش انسانی برخوردار است، پاسخی شایسته و متمایز از دادخواست زن مادی محور غربی، یا زن سنت‌گرای بی‌تحرك و خانه بست شرقی خواستار است.

زن بیدار مسلمان، از مطالبه‌گری تحمیلی به سوی مسئولیت‌گرایی و از تظلم و حقارت در برابر فرهنگ بیگانه به صلابت، از ظلم پذیری به دشمن ستیزی فرا خوانده شده‌است.

زن مسلمان فریاد هشدار و بیداری منطق و حیانی را در آیاتی چون: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَتْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص، ۴) به خوبی در یافته و خود را مسئول و مبلغ رساندن آن به گوش مستضعفان می‌شمارد.

جنبش «فمنیسیم» که بنیانی در تفکر یهود و صهیونیسم جهانی داشت و نابودی خانواده و کرامت زن را نشانه گرفته بود، برای زن بصیر مسلمان حرفی برای گفتن ندارد.

امروز این فقط زن مسلمان در فلسطین نیست که چندین دهه مورد حملات غیر انسانی صهیونیسم جهانی است، بلکه زن یمنی و سوری و عراقی و افغانی، لبنانی و زنان منطقه شمال و شاخ آفریقا و حتی در بلاد غرب... به جرم بیداری و احساس هویت اسلامی دچار مخاطره و بیدادگری مضاعف است. نماد این ظلم فراگیر علیه کرامت و انسانیت، مقابله آمریکا و اسرائیل علیه نظام اسلامی و انتهای این قدرت طلبی، در جنگ دوازده روزه ای بود که ملت بیدار و هشیار ایران به تمام قد علیه این اقدام جنایتکارانه و عوام فریبانه ایستاد.

گفتمان صدر این نوشتار که ظنین روشنی از حکیم سخن و امیرکلام، در اخطار به جوامع اسلامی است، در مواجهه با وقایعی است که در تاریخ اسلام وقوعی مکرر داشته و اکنون وظیفه همه افشار به ویژه زنان بصیر است که به عنوان سربازان عرصه جنگ نرم مدافعه‌ای عالمانه، داشته باشند. حال سخن حکیمانه مولایمان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در این زمینه چیست؟

«ای اندیشمندان (جهان اسلام)، ما اکنون در وضعیتی صبح می‌کنیم، که زمانه با ما به شدت عناد دارد و روزگاری را سپری می‌کنیم که با ما سر ناسازگاری دارد. در این روزگار نیکوکار مجرم معرفی می‌شود و ظالم در آن به سرکشی مشغول است. اما به زعم این شرایط سخت، ما نه از سرمایه وافر علمی خود بهره نمی‌بریم و نه موارد جهلمان را واکاوی می‌کنیم و نه نگرانی از آنچه که ممکن است در آینده برای ما پیش آید به خود راه می‌دهیم! این امر در منطق علوی آسیبی بزرگ برای جامعه دینی است.»

اکنون بات وجه به این پیشینه و غنای تمدنی و بیکران دریای گفتمان آیات و روایات در آسیب‌های جامعه دینی و راهبردهای کارساز آن برای همه زنان جهان، توجه به این امور ایجاد می‌کند که زن مسلمان ایرانی تجارب گذشته را آویزه حرکت مستقل آینده قرار دهد، و با بهره‌گیری از الگوهای فرا تاریخی فاطمی و زینبی (سلام الله علیهما) راه دیگری را به سوی زنان عالم بگشاید. امکان وقوع این امر مهم در سایه ولایت‌پذیری حکیم و بصیر، شجاع و مقتدر، فقیه مدبر و آشنا به زمان و مکان، در عصر غیبت در اندیشه اسلامی محصور است که در بزنگاه‌های حوادث، همچون پدری مهربان موجبات حرکت صحیح و صریح را فراهم سازد.

پیشینه‌شناسی و روش تحقیق

در سال‌های اخیر، بحران هویت و معنویت زنان مسلمان به‌عنوان یک محور پژوهشی کلیدی مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان قرار گرفته است. مقاله‌های «بازخوانی هویت زن مسلمان در پرتو الگوی سوم» (سعیده سادات موسوی نیا، ۱۴۰۳) و «زن مسلمان و بحران هویت و معنویت

در عصر حاضر» (حلیمه حیدری، ۱۳۹۳ و ۱۴۰۲) با تمرکز بر چالش‌ها و فرصت‌های نوظهور، فرآیند شکل‌گیری خودآگاهی زن اسلامی را بررسی می‌نمایند؛ در همین راستا، پژوهش‌های «بررسی عوامل و چالش‌های هویت دینی زن» (قاضی کرباسی، ۱۳۹۶) و «آسیب‌شناسی فهم روایات مربوط به آن» (فاطمه وجدی و همکاران) ساختارهای دینی-اجتماعی و تأثیرات تفسیری بر هویت زن را تحلیل می‌کنند و نشان می‌دهند که بازنگری در متون و رویکردهای فقهی می‌تواند مسیر فکری زنان را در مواجهه با تحولات جهانی بازنویسی کند.

در این نوشتار به سبب اهتمام بر نقد و تحلیل برخی دیدگاه‌ها و ارائه راهبرد مناسب با تمرکز بر روش جمع‌آوری اسنادی، ابتدا به گردآوری مستندات در باره تفکرات مدعیان استیفای حقوق زن اقدام شده است. سپس براساس منطق تحلیل محتوی، در پاسخ به نیازهای اصیل، در پرتو تحلیل مبانی، مستندات، ساختار و لوازم منطقی و ملازمات عقلی آن، به نقد و تحلیل می‌پردازد. (ر.ک: فراملکی، ۱۳۹۰، گفتار دهم، چیستی روی آورد تحلیلی منطقی) و سپس به ارائه روند تکاملی حرکت زنان تا رسیدن به نظریه «الگوی سوم» بر اساس (نظریه تأسیس حکومت مبتنی بر تفکر اجتهاد اصولگرا و فن استدلال خاص) به پایانه خود نزدیک و به پاسخ سؤالات منتج می‌گردد.

سؤالات تحقیق

۱. شرایط کنونی جهان چه مسائل و مخاطراتی را برای زن مسلمان ایجاد کرده است؟
۲. رسالت زن اندیشمند مسلمان با توجه به چالش‌های بینشی، منشی در غرب و شرق چیست؟
۳. تأثیر جنبش‌های بیرونی و درونی جهان اسلام درباره زنان مسلمان چگونه بوده است؟
۴. خلأ وجودحاکمیت اسلامی در ایران چه تأثیری در ایستایی مسائل زنان داشته است؟
۵. تأثیر نگرش امام خمینی (رحمة الله علیه) و مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در باره زنان در ایران و جهان چگونه بوده است؟
۶. مختصات عملی الگوی سوم زن با محوریت سلوک زینبی براساس نگرش رهبری معظم چیست؟

نوآوری این پژوهش در ترکیب روش تحلیل محتوا با چارچوب نظری الگوی سوم زن برای استخراج ضوابط عملی جدید است؛ به‌علاوه تمرکز بر سلوک زینبی به‌عنوان مرجع برجسته برای تدوین مسیر عملی‌گری زنان مسلمان که در ده‌های گذشته کمتر مورد بررسی قرار گرفته بود، و ادغام دیدگاه‌های شرقی و غربی در نقد تضادهای گفتمانی منش‌ها، امکان ارائه راهبردهای جامع برای مقابله با بحران‌های عصری را فراهم می‌آورد. همچنین، بررسی انتقادی تأثیر نگرش‌های

امام خمینی (رحمة الله عليه) و مقام معظم رهبری (دام ظلّه) بر نقش زنان در بستر اجتهاد اصول‌گرا، به صورت سیستماتیک در ادبیات پیشین نمایان نشده بود.

۱. رسالت اندیشمند مسلمان در تولید فکر و فن استدلال و حیانی

اکنون این بار سنگین و اقدام سرنوشت ساز، بردوش چه کسانی از جامعه کنونی ما است؟ آیا دانش روان شناسی و تربیتی ما غالب بوده و یا مغلوب، فعال بوده یا منفعل از نظام روانشناسی بیگانه، عمل نموده است، تا بتواند مفهوم و حیانی «لتکونوا شهداء علی الناس» (بقره، ۱۴۳) عملی سازند؟!؟

قطعا راه دیگری هست که گره را بگشاید و اصالت فرهنگ توحیدی را به منصفه ظهور برساند. بایستی اذعان داشت که امروز توجه بر روشمندی فن استدلال در علوم اسلامی و پیشنیازهای آن حتی در سایر علوم، امری ضروری است.

تعبیر مفسر و متفکر اسلامی آیت الله جوادی آملی در بیان این حقیقت تلخ این است:
 «علم طبیعی مثله شده و معیوبی را که منقطع الاول و الاخر است، تحویل می دهد... حاصل تلاش خود را نقاب برگرفتن از چهره خلقت و فعل الله، نمی داند. بلکه صرفاً به تبیین طبیعت، می نشیند... اگر عقل در کنار نقل در درون هندسه معرفت دینی جای گرفت، سخن گفتن از تعارض علم و عقل با دین به همان اندازه نامانوس و نابجاست که سخن گفتن از تعارض نقل و دین. نقل هرگز با دین، معارض نمی شود زیرا نقل، خود منبع شناخت دین است. به همین ترتیب، عقل ناسازگار و معارض با دین نمی گردد زیرا حجت شرعی و منبع شناخت دین است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹ و ۱۱۰).

ایشان در تبیین ضرورت تحول در جهت دهی علمی و غنای دینی و ملی می فرماید: «علم اگر علم باشد، نه وهم و خیال و فرضیه محض؛ هرگز غیر اسلامی نمی شود، علمی که اوراق کتاب تکوین را ورق می زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی دارد، به ناچار اسلامی و دینی است... اساساً اگر منطق قارونی را کنار بگذاریم، متوجه می شویم که اساساً علم، الهام الهی است و از جانب او افاضه می شود؛ «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم» (علق، ۵) کار بشر، فراهم کردن شرایط و اعداد برای حصول این تعلیم و افاضه است. علم، افاضه و تعلیم الهی است اگرچه عالم ممکن است ملحد و سکولار باشد، اما علم، سکولار و غیر الهی نیست... ایمان و کفر عالم و مفسر در اصل فهم کتاب نکوین و اصل علم به کتاب تشریح، تأثیر نمی گذارد... چنان که فهم قرآن، اسلامی و

غیر اسلامی نمی‌شود. اگر شرایط فهم معتبر رعایت شده باشد. البته در رشد فهم و درست‌تر و عمیق‌تر فهمیدن، مؤثر است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴-۱۴۶).

قرآن کریم، در مسیر اصلاح مسائل زنان، ابتدا به انحرافات و بیان مظالم تاریخی، پرداخته است و سپس به اصلاح و احیای هویت و تبیین حقوق انسانی و سپس به جعل حمایت‌های خاص حقوقی و فقهی در قالب حق و تکلیف اقدام می‌کند.

آیه «إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا...» (نحل، ۵۸) یا «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٌّ» (بقره، ۲۲۲) یا سیاق آیات «ماقد سلف» (نساء، ۲۲ و ۲۳) روش تاریخی قرآن ابداعی و به سبب اشرف و حیانی ویژه قرآن است.

از طرفی بازشناسی صحیح موضوعات و مسأله‌شناسی اصولی، عدم مغالطه‌های غلط در منطق استدلال، انطباق میان پاسخ‌ها و نیازها، درک مطالبات واقعی از مغالطات صوری، تامل بر سبک تولیددانش مبتنی بر بینش توحیدی و منش ارزشی، تعمیق و کلان‌نگری در پاسخگویی و حفظ استقلال و غنای فرهنگی، پرهیز از تقلید و انفعال، تعجیل و تأخیر نابه جا از ضروریات تحولی و اساسی در پاسخ به مطالعات زنان است.

۲. پیشینه خیزش‌های فکری در مباحث زنان (خارج از فضای جوامع اسلامی و داخل آن)

بررسی جنبش‌های تحولی زنان خارج از فضای جوامع اسلامی مرتبط با سیر تحولات حقوق بشر در غرب که مبتنی بر پیش درآمد عصر روشنگری بوده، با همه افت و خیزها و تحولات تدریجاً منجر به یک حرکت اجتماعی و حقوقی وسیع تبدیل گردید و سرانجامش تنظیم و تکمیل مقاولات، کنوانسیون‌ها در سازمان ملل، پس از جنگ جهانی دوم شد. نادیده انگاری کرامت انسانی، هویت مستقل، اصالت نقش او در حیات نوع بشر و استضعاف تاریخی مستمری بود که حاصل تحمیل اندیشه‌های فرانکر و قدرتمدار علیه زنان در قرون و اعصار پدید آمده بود. (رک: حکیم پور، ۱۳۸۲)

این تحول چند مرحله‌ای اگر چه بنیاد دینی نداشت، اما تأثیر خود را بر کشورهای اسلامی داشت. به ویژه آن‌که مشترکاتی بین مسائل زنان و مظالم تاریخی آنان وجود داشت. این حرکت به رغم تأکید بر نگرش افلاطون در ترسیم مدینه فاضله و تصریح بر حاکمیت حاکمان حکیم، از حاکمیت حکمت و سعادت انسان در تشکیل «مدینه فاضله» افلاطون چیزی دیده نمی‌شد و از اندیشه توحیدی این حکیم الهی نیز خبری نبود.



به تعبیر مقام معظم رهبری «اروپایی که امروز ادعا می‌کند که زن در آنجا آزاد است تا نیم قرن پیش (کلام در سال ۱۳۷۵ صادر شده) به زن اجازه نمی‌داد که در مال شخصی خودش تصرف کند... او باید [ثروتش] را در اختیار شوهر یا پدر یا برادرش می‌گذاشت و آنها هم به میل خودشان از ثروت او استفاده می‌کردند... دنیای غرب زن [پس از تحولات عصر روشنگری به رغم ادعاهایش] به ابتذال کشاند... آمدند زن را به میدان کار و زندگی و فعالیت اجتماعی کشاندند اما در همان حال تمام وسایل را برای لغزش زن فراهم کردند و او را در متن جامعه رها و بی‌پناه گذاشتند. سپس با فریاد آزادی بانهایت چیرگی فرهنگ خود را با شناسه تمدن و تجدد و ترقی به دیگر ملل تحمیل نمودند (خامنه‌ای، ۲۶/۱۰/۱۳۶۸).

۳. بررسی چالش‌های بینشی و منشی در غرب پس از عصر روشنگری

دنیای غرب در مسائل زنان هم در بینش و هم در منش و هم در روش با ما به صورتی معقول و منطقی کمتر مفاهمه داشته است. غرور توسعه علوم موجبات تحمیل یک طرفه بینش و منش و دانش مبتنی بر مواد شرک آلود فکری با نام علم و مدرنیته شد. همچنان که روش‌های استقرایی و استحسانانی مبتنی بر تجربه مادی، خود را به عنوان بهترین روش علمی و قطعی، برای همه معرفی کردند.

یکی از محققین معاصر می‌گوید:

«زن فقط در شرق مغبون و مورد ستم نبود، دین مسیح (علیه السلام) که بیش از ده قرن، اساس قانون و بنیاد حقوق در غرب، مبتنی بر آن بوده و حتی در قرون جدید هم آثار آن کما بیش به چشم می‌خورد، نگرشی اثباتی به زنان و حقوق آنان نداشت» (حکیم پور، ۱۳۸۲، ص ۳۰۹).
خانم «وندی شلیت» محقق آمریکایی معاصر: ۱۹۷۵م، و فارغ التحصیل در رشته فلسفه از دانشکده «ویلیامز» نارضایتی خود را از وضعیت زنان اینگونه ابراز می‌کند:

«ما در آمریکا در جایی زندگی می‌کنیم که این دو نیروی تاریخی «یعنی دوره بردگی و عصر روشنگری» در یکدیگر ادغام شده‌اند، ما وارث رنج سه قرن بردگی و شادمان سه قرن آزادی‌های سیاسی و روشنگری هستیم بهایی که برای بردگی می‌پردازیم، طبیعی است. ولی روشنگری هم برای ما هزینه گزافی داشته است» (وندی شلیت، ۱۳۸۳، ص ۲۱۱).

استاد مطهری در تحلیل این قضیه می‌گوید: «... این پندار محض است (مسأله تقلید از غرب) آنها از ما در این مسائل بیچاره تر و گرفتارتر و فریاد فرزانشان بلند تر است. از مسائل مربوط به درس و تحصیل زن که بگذریم در سایر مسائل خیلی از ما گرفتارترند» (مطهری، ۱۳۶۵، ص ۳۷)

امروز اشراف بر مسائل زنان با تکیه بر مطالعات تطبیقی، تحلیلی، تاریخی با رویکرد فعال نه منفعل و بی تفاوت، با تأکید بر بینش توحیدی و منش ارزشی و دانش مبتنی بر تمدن اسلامی، از ضروریات در عرصه مطالعات زنان در عصر کنونی است.

۴. جنبش‌های تحولی درون‌زا در جوامع اسلامی

برابر تغییرات عرصه جهانی در بخش اول، زمینه‌های تحولاتی در درون به وقوع پیوست. همچنان که هجمه تبلیغات بر عدم کارآمدی منش دینی، جدایی دیانت از علم، عقلانیت و بالاخره از سیاست، از سوی سلطه‌گران غرب، افیون شمردن مذهب، از سوی کسانی چون «لنین»، مقابله صریح با توسعه اسلام، در جهان و جعل وزارت مستعمره در کشورهای استعمارگر برای تغلیب فرهنگی، زمینه حرکت‌های روشنگرانه را در درون کشورهای اسلامی توسط اندیشوران پدید آورد و اهل درد و دغدغه را به تحرکی ملی و دینی فراخواند. افرادی چند چون سیدجمال و اقبال لاهوری، کواکبی، محمد عبده و محمد الشحرور و نصر حامد ابوزید، قاسم امین، غزالی، دکتر شریعتی و... هرکدام بر اساس دغدغه‌مندی در منش اسلامی، اقدام به تحولاتی در احیای دینی نمودند. اما تفاوت‌ها و حتی تعارضاتی در مسیر این تحولات در میان مرام آنان به چشم می‌خورد.

از پیش‌کسوتان این حرکت «محمد قاسم امین» بود (۱۸۶۳م-۱۹۰۸). او در مدارس «خدیویه» مصر تحصیل و در فرانسه لیسانس حقوق می‌گیرد و به مقام وکالت و مستشاری دادگاه استیناف می‌رسد. مطالبی را در عرصه ساختارهای نابرابر و عوامل آن در کتاب‌هایش «تحریر المرأة و المرأة الجدید» مطرح و نظرات خود را مبتنی بر رویکرد تجددگرایی اسلامی مطرح می‌کند. قبل از قاسم امین کسانی مثل «محمد عبده» روحانی برجسته مصری با نگاه اسلامی بر آموزش دختران و نفی تبعیض جنسیتی سخن می‌گوید اما او روش دیگری در تحول دارد. «عبده» استناد به آیات قرآن آموزش را برای زنان و مردان ضروری می‌بیند و رها کردن دختران را در جهالت‌گناه می‌شمارد. او اعتقادش این بود که نخستین بار اسلام زن را به عنوان انسان، برابر با مرد به رسمیت شناخت (رک: عبده، ۱۹۰۲م، ص ۱۰).

او همچنین میان سلامت عقل با جسم گره زده و آموزش فوتبال، سوارکاری، شنا و نیز آموزش موسیقی برای زنان سخن به میان می‌آورد. همچنین وارد مقوله حجاب شده و آن را موجب کناره‌گیری زن مسلمان از فعالیت‌های اجتماعی می‌شمارد. اما مستدلاً به نفی آن نمی‌پردازد. قاسم امین حجاب قرآنی را ویژه زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌داند. او معتقد است که حجاب

نمی‌تواند مانعی از فتنه‌گری و فساد باشد بلکه زنان در پرتو حجاب برای هر فسادی آزاد ترند. او به تدریج به این نگرش رسید که حجاب مانع سر راه رشد و ترقی زن است (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۰). رویکرد اینگونه‌ای در افراد دیگری نیز چون «رفاعه طهطاوی» که در الازهر درس خوانده و در دوره محمد علی پاشا به فرانسه عزیمت کرده، نیز دیده می‌شود.

استاد مطهری در نقد این تفکر، غفلت از نتایج سیاسی اقتباس فرهنگی غرب، معرفی غرب به عنوان تنها نماینده پیشرفت در علوم بدون لحاظ وجهه جهان‌خواهی جهان غرب، آمیختگی عقائد اسلامی با غرور ملی مصر از موارد اشتباهات طهطاوی می‌شمارد (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۹۳). ایشان آسیب این‌گونه افراد را استغراق در روش انفعالی آنان از حرکت‌های منفعل غربی می‌شمارد.

۵. ایران شاهنشاهی و تحولات متأثر از تمدن مغرب زمین

اگرچه تاریخ روابط سیاسی مستشاران بریتانیایی، به دوران صفویه برمی‌گردد و زمینه تبلیغ مبلغان مسیحی (مسیونرها) را فراهم می‌آورد. اما بعد از دوران زندیه و آغاز قاجار که مصادف با تحولات عصر روشنگری است، زمینه بروز تعارضات فکری میان دین و تجدد شدت می‌گیرد.

از یک سو ضعف حکومت‌های سلطنتی و سلطه‌پذیر در ایران و پیدایش حرکت‌های منور الفکری از سوی افرادی چون میرزا ملکم خان و میرزا فتحعلی آخوندزاده و القانات آنان برای شکستن تعهد مذهبی و سنن دینی و ترویج اباحی‌گری و استقبال از آزادی به معنای غربی و حمله به دیانت به عنوان عامل رکود، نمادی از زمینه‌سازی این جریانات فکری را در ایران فراهم می‌آورد. شکل‌گیری فرقه بهائیت، کشف حجاب توسط قره العین، اعلام نسخ شریعت اسلام، تشکیل جبهه فرماسونری به عنوان دو جبهه عدالت‌خواه و طرفدار آزادی زنان، تأسیس مدارس دخترانه با شکل غربی و نشر مطبوعات حامل الگوهای زنانه غربی، مبداء حرکت‌ها، گرایش‌ها و نگرش‌هایی مختلف و متفاوت می‌شود و حاصل این امر تضارب آراء در حل مسائل زنان است. (ر.ک: پارسانیا، ۱۳۷۷؛ زیبایی نژاد و سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷).

مجموعه این علل و عوامل در روند تحولات مرتبط با زنان فراز و فرودهایی را پشت سر می‌گذارد که حاصل آن حامل پیامدهای منفعلانه و غالباً منفی درباره زنان در ایران است. استاد مطهری نسبت به حرکت‌های منفعلانه و مقلدانه این زمان می‌گوید «فرنگی‌مآبی و غرب‌گرایی، را الگو قرار دادن و تحت نفوذ فکری، فرهنگی، تقلید و اقتباس از غرب، مثل همان فکری است که امثال تقی‌زاده، تبلیغ کردند. بدون توجه به اینکه نفوذ فرهنگی به دنبال خود، نفوذ سیاسی را

می‌آورد و به‌علاوه؛ شخصیت و منش و استقلال یک امت به استقلال فرهنگی اوست. و گرنه در هاضمه ملت دیگر، هضم می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۸۹).

قضیه اصلی توجه به یک امر سلبی و ایجابی به عنوان یک واقعیت تاریخی است. بخش سلبی، آن است که برای ارباب اندیشه، در تاریخ مسلم است که هر گاه جوامع انسانی، از درک واقعی پیام انبیاء و انسان‌های الهی فاصله گرفتند، دچار انحراف و اختلاف و التباس گردیدند. و بخش ایجابی آن وجوب عقلی تمکین بشر از حقیقت دین که روش زندگی سالم است. درک درست این واقعیت در حل بحران‌های پیش روی زنان ضروری است.

بایستی اذعان داشت که اندیشه و انگیزه تحقق براین امر یعنی ارائه الگوی کاربردی در تجدید بنای تمدن نوین اسلامی از ضرورت‌های عصر کنونی بود، که به صورت جدی بر آن اقدام اساسی و راهگشا صورت نگرفت. به ویژه آن که تبلیغات جهانی هم علیه، اسلام و هم علیه، نظام اسلامی به اشکال مختلف پیوسته صورت می‌گرفت.

باور داشتن مهارت‌های فکری و علمی و ایمانی زنان، کمال عقل و تدبیر و اثرگذاری انسانی فرامردانه و مختصات خاص ورود عالمانه در امور زنانه، و مواردی از این مقوله لازمه ارائه الگوی جامع بود. طراحی چنین الگوه تنها برای زنان مسلمان بلکه برای زنان جهان ضروری و امری اجتناب ناپذیر بود، و خلاء آن به خوبی احساس می‌شد. از سوی دیگر فقدان این الگو برای جامعه زنان خود چالشی مهم و آسیب‌زا بود. لذا مطالبه آن در گفتمان‌های زنان با مقام معظم رهبری موجباتی را برای تحقق طراحی الگو فراهم نمود.

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب در بیش از یک دهه قبل در کنگره ملی (هفت هزار زن شهید کشور) کلیات طرح الگوی جامع زن را مبتنی بر تمدن اسلامی مطرح و رسالت زن مسلمان و ارزشمدار ایرانی را در تکمیل و تنظیم آن ضروری شمردند.

«العالم یرمانه لا یهجم علیه اللوائس» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۷) اشرف بر عوامل هجمه و التباس جهانی در عرصه زنان از مهمات تدارک این دستور بود. ایشان در بیانات خود با جامعه زنان، نسبت به وضعیت زنان در غرب ابراز نگرانی می‌نمایند و از این‌که در فرهنگ مادی‌گرای مغرب زمین نگاه به زن نگاه ابزار است، این امر را ظلم به زن می‌شمارند و تقدم جنسیت را بر انسانیت زن امری قبیح و ضد کرامت و حرمت او می‌شمارند، پیوسته به زنان مسلمان، رسالت اصلاح فرهنگ غلط جهانی را گوشزد نموده و دیدگاه تمدنی و اندیشه رفیع اسلامی زن مجاهد

و مسلمان ایرانی را در جایگاه «معلم ثانی» برای زنان جهان قلمداد نموده و نقش تاریخ سازی را به آنان محول می نمایند.

۶. خلاء حاکمیت اسلامی و اختلاف نگرش‌ها و گرایش‌های درون دینی

فقدان حاکمیت مبتنی بر قدرت سیاسی نظام مند، که متکی بر جامعیت اندیشه و حیانی، با پشتوانه عزت و استقلال اسلامی، حلقه مفقوده‌ای بود که همراه با تحولات عصر روشنگری، نگرش‌ها و گرایش‌های متعددی را بر جوامع اسلامی در مواجهه با مسائل زنان تحمیل نمود. این خلاء اساسی، یک جریان ۱۸۰ درجه‌ای را در اختلاف اندیشه‌ها و انگیزه‌ها در باره زنان در ایران ایجاد نموده بود و امکان ایجاد وحدت بر محور الگوی واحد نبود. انتظار آوردن یک اندیشه جامع و اسلامی برای متفکرین، آرزویی دیرینه بود.

امام خمینی (رحمة الله علیه) در باره ضایعه اسف بار این خلاء (فقدان حاکمیت سیاسی اسلام) در ابتدای کتاب ولایت فقیه می فرماید: «این‌ها (یهود و دنیای سلطه، علیه اسلام)... به صورت استعمار گر از سیزده سال پیش یا بیشتر به کشورهای اسلامی راه پیدا کردند و برای مطامع استعماری خود لازم دیدند که زمینه‌هایی را فراهم سازند تا اسلام را نابود کنند... احساس کردند آنچه سدی در مقابل منافع مادی آن‌هاست... و قدرت سیاسی آنها را به خطر می اندازد اسلام و احکام اسلام است و ایمانی که مردم به آن دارند. پس به وسائل مختلف برضد اسلام تبلیغ کردند» (امام خمینی، بی تا، ص ۷). ایشان معتقد به این آسیب اساسی بودند که تبلیغات دشمن تا به جایی رسید که در حوزه‌های علمیه شکل ناقصی از اسلام، ارائه شد و خاصیت انقلابی و روح حیات اسلام را از حوزه‌ها گرفتند. و هدف نفی تشکیل حکومت و نفی تلاش برای ایجاد جنبش و نهضت در میان مسلمین بود، تبلیغ کردند که «اسلام دین جامعی نیست... برای جامعه نظامات و قوانین ندارد... فقط احکام حیض و نفاس است... [در حالیکه] نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی از نسبت صد به یک هم بیشتر است.

از یک دوره کتاب حدیث که حدود پنجاه کتاب است و همه احکام اسلام را در بردارد، سه چهار کتاب مربوط به عبادات... و بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق و سیاست و تدبیر جامعه است... تحمیل قوانین بیگانه بر جامعه ما منشاء گرفتاری‌ها و مشکلات بسیار شده است (خمینی، بی تا، ص ۷-۱۴).

الف: تجددگرایان و تجددگرایان اسلامی ابتدا در تفاوت میان گروه اول (تجددگرایان)، دوم (تجددگرایان اسلامی) می توان گفت، گروه اول در برخورد با تجدد کاملاً منفعلانه عمل می کنند و



کارآمدی دین را در زندگی دنیا نفی می نمودند. اما دسته دوم با توجه به هویت اسلامی زن مسلمان در صدد بوده‌اند قرائت جدیدی از اسلام و نصوص را ارائه دهند و اعطای حقوق اسلام را به زن، با شاکله‌ای نوین بر اساس تأملات تاریخی حل نمایند. این اندیشه که از دهه ۱۹۲۰ میلادی در صدد جذب آموزه‌های غربی در تعالیم خود برآمد و آبخوری برای عده‌ای از نظریه‌پردازان در مسائل زنان گردید.

ب: جمودگرایان اسلامی دسته دوم، کسانی هستند که بر خلاف دسته فوق، در حمایت از دین به نفی تمام مظاهر فرهنگ نوین برآمدند و جمع بین آن دو را غیر ممکن دانسته، و بر این اساس، به پرداختن به ابعاد سازندگی‌های فردی و اخلاقی دین بسنده کرده‌اند. آنان در عرصه‌های سیاسی، مرز دین را از تمدن و تجدد جدا ساخته، و هر نوع تعبیری را در روش‌های دینی «بدعت» خواندند و اصرار آنان بر نصوصی خاص، مانع از این شد که به مسائل نو و جدید پردازند. ایشان در اصل، در انطباق قوانین دینی با مسائل اجتماعی نیازی احساس نمی‌کنند و در برخورد با مسائل زنان به همین سبب، تحولی را ضروری نمی‌بینند (میرخانی، ۱۳۸۱، ص ۷۷).

ج: سنت‌گرایان اسلامی این دسته نگاه فرد‌گرایانه و تکلیف‌مدارانه به زن دارند، رشد معنوی زن و عبودیت وی را از جهت منزلت مادری و همسری مهم می‌شمارند، ارزش‌های مادری نسبت به جایگاه مادر و همسر مورد پذیرش آنان است، و حداکثر آنکه مدیریت او را در محدوده درون خانه‌ای و یا در محدوده جمع زنان مورد پذیرش قرار می‌دهند. حضور اجتماعی زن را در حد ضرورت و حداقلی لازم می‌شمارند (آیه‌اللهی، ۱۳۹۳، ص ۴۱۶).

د: اندیشه‌های نوسلفی این گروه با عناوین تفکرات نوگرا و نواندیش، خود را حامل خیزشی اسلامی می‌شمردند و هدف خود را ارائه الگوی اصیل اسلامی، برای زنان معرفی می‌کردند و ایده زدودن سنت‌های جنسی و جنسیتی اندیشه سلفی و فمینیسم‌گرا داشتند تا با این حرکت از گرایش زنان به جنبش‌های غیر اسلامی جلوگیری کنند (رک: پزشکی، ۱۳۸۷، ص ۴۰).

۷. جریان «فمینیسم اسلامی» و مولود انفعال بینشی و منشی روشنفکران

عکس‌العمل جنبش‌های فوق و تحولات عصر روشنگری، کنش و گرایش‌های چند وجهی را در داخل سرزمین‌های اسلامی، ایجاب و ایجاد نمود و سیر نوگرایی و تجدد در غرب تأملاتی را نسبت به مسائل زنان در جوامع اسلامی فراهم ساخت و به کنش‌ها و واکنش‌های متعددی منتهی گردید.

پدیده «فمینیسم اسلامی» مولود اقدام انفعالی از سوی بخشی از تجددگرایان اسلامی بود، که با قصد دفاع از هویت و حقوق زن مسلمان، حامل نگرشی مقابله‌گرایانه در برابر هر گونه نگرش مردسالار بود.

مسأله اصلی، علاوه بر رویکرد انفعال نسبت به غرب و مدرنیته، غالب آنان فن استدلال معین تاریخی، منطقی، تفسیری و فقهی نداشتند. بلکه از روش شناختی متعددی در جایگزینی در گفتمان مرتبط با مسائل زنان استفاده می‌کردند. علاوه بر آنکه غالب استنادات مبتنی بر استقراء ناقص و ادله عقلی ظنی برخاسته از اندیشه متأثر آنان بود، که در نیم قرن گذشته ظهور کرد و به عنوان تلاشی نهایی برای پاسخگویی به زنان بود.

این حرکت علاوه بر آنکه ضایعاتی را از جهت مبانی استدلال داشت، رویکردی انفعالی در برابر مدرنیته بود. این مقوله با فن استدلال و حیانی مبتنی بر «أدعُ إلى سبیل رَبِّكَ بِالْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادلهم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، ۱۲۵) هم‌خوانی نداشت.

۸. اصولگرایان و رسالت منش اجتهادگر و نظریه حاکمیت ولی فقیه

نکته عمده و تفاوت این گروه با سایرین، این است که یک ارتباط مستقیم میان حل بنیان‌های فکری در علوم اسلامی و انسانی با مسأله روش اجتهاد فقهی و مسأله تحول، تغییر در نظام حاکمیت و ایجاد انقلاب اسلامی است. در این نظریه وجود فقیه زنده، متفکر و گره‌گشای امور مردم، به ویژه زنان است. براین اساس چون ساماندهی اصلی در سبک اندیشه مجتهد زنده و فقاقت پویا و فعال عرصه سیاسی و اجتماعی است، این نظریه حرکتی تحول‌آفرین داشته و دارد که در هر کجا زمینه مناسبی برای تاسیس و اداره کلان حکومتی پیش می‌آمده، پایه عرصه می‌نهادند. کسانی چون محقق کرکی در عصر صفویه برای شاهان دستور حکومتی ارائه می‌دادند، نیز محقق نراقی، میرزای نایینی، میرزای قمی، گام‌های اساسی برداشتند.

فقیهانی چون شهید در اقامه حدود و تصرف در اراضی و کاشف الغطاء در جهاد دفاعی و فیض کاشانی تعزیرات و تدبیر سیاست را از اختیارات فقیه شمرده و میرزای نایینی اداره امور مملکت و حاکمیت را از امور حسبیه قلمداد می‌کند. ولو اینکه از باب نیابت امام مورد پذیرش نباشد که بنا بر نظریه امام خمینی (رحمة الله علیه) نیابت است.^۱

۹. جامعیت شخصیت انسانی زن در جنبش ضد استکباری شیعی و حرکت امام خمینی (رحمة الله علیه)

۱- رجوع شود به پیشینه ولایت فقیه در اندیشه شیعه در ویکی‌پدیای فقه

در این تفکر نه از باب تساوی با مردان و روش مقابله‌گر جنسیتی، بلکه اهمیت جایگاه زنان را به عنوان عنصر تعیین کننده راه سعادت و بالعکس و ریشه طهارت نسل و صلابت فکر و عامل عروج خود و فرزندان و حافظ بطن زندگی و ریشه سازندگی می‌شمرد. در این رویکرد برای زنان الگویی چونان خدیجه کبری و فاطمه زهرا سلام الله علیهما و عقیده بنی هاشم را در تدبیر و مدیریت بحران عاشورایی سراغ دارد، که در صلابت، طهارت، شجاعت، معرفت، ظلم‌گریزی و سلطه‌گریزی زمینیان در برابرش زانوی ادب می‌سایند.

۱۰. جنبش‌های ضد استکباری و ضد استعماری روحانیت شیعی

در راستای جنبش‌های تحولی، حرکت ضد استکبار و ضد استعماری، خود مبداء تحولات سیاسی - علمی گردید. حرکت پرصلابت روحانیت شیعی در مناطقی چون ایران و لبنان و عراق سعی در گشایش ابوابی نمود و حاصل تلاش شخصیت‌های توانا و مقتدر عالم اسلام به‌ویژه جهان تشیع چون مرحوم نایینی، آخوند خراسانی، آیت‌الله بروجردی در اقدامات جهانی و حرکت آیت‌الله کاشانی در عراق و ایران، و به‌دنبال آن نهضت سیاسی امام خمینی (رحمة الله علیه) در منطقه و مقابله ایشان با ولیده‌های نظام سلطه، بیداری و خیزشی جدید را ایجاد کرد که موج آن در تحول مسائل زنان بسیار تأثیرگذار بود.

از طرفی، متفکرینی چون علامه جعفری، علامه عسگری، علامه طباطبایی، جنبشی علمی نوینی را در عرصه‌های مختلف علوم اسلامی و غیرموازی در زمینه‌های مختلف در بحث زنان آغاز نمودند. شهید صدر و بنت الهدی شهیده، ایشان اقداماتی علمی و سیاسی و مبارزاتی را آغاز و نهضت روشنگری را هدایت نمودند و علاوه بر کتب اصولی فلسفی و فقهی به تالیف کتبی چون: «الاسلام يقود الحياه» و «المرأة مع النبی» را با شرایطی در معاندت حزب بعث به نگارش در آوردند. و کسانی از قبل چون آیه الله حکیم، علامه امینی و کاشف الغطاء اقداماتی علمی و سیاسی با جدیت دنبال نمودند.

در ناحیه «جبل عامل» شخصیت‌های، تأثیرگذاری چون، امام موسی صدر جنبش شیعی را از زنان لبنان آغاز نمود، علامه محمد حسین فضل‌الله، شیخ شمس‌الدین و شرف‌الدین‌ها؛ اقدامات مهمی را به تناسب ضرورت‌ها و مقتضیات زمان و مکان انجام دادند و کتاب‌هایی را به تحولات درباره زنان، اختصاص دادند، مرحوم شمس‌الدین، کتابی را با عنوان «اهلیة المرأة لتولی السلطنة» به نگارش در آورد (شمس‌الدین، ۱۹۹۵، ص ۱۴۰)، همچنان‌که علامه محمد حسین فضل‌الله، متونی

را با عناوینی چون «تأملات اسلامیة حول المرأة و دنیا المرأة و قرائه جدیده لفقہ المرأة الحقوقی»^۱ به ایجاد تحولاتی از جهت منش فکری و سبک پاسخگویی اقدام نمودند. این حرکت‌ها درجهان شیعی منشاء بیداری جدیدی در مسائل زنان گردید (فضل‌الله، ۱۳۷۶، ص ۲۷-۲۸).

امر احیاگری در تفکر شیعی از مقومات فرهنگ اسلامی است، و «مداد علما و دماء شهدا» دو عنصر موج‌آفرین و محرک‌زا، در طول تاریخ پر افتخار شیعی بوده‌است. زیرا نفس پابندی به توحید، ملازم با پشت کردن به طواغیت و مبارزه و مجاهده‌است.

«و من یکفر بالطاغوت» مقدم بر «یومن بالله» است. از طرفی بنای اجتهاد شیعی علاوه بر مقابله با حکومت‌های سلطه‌گر، از مختصاتی برخوردار است که پویایی و پایایی رمز دوام آن است.

بنابراین، آنان نه تنها به حکم این مسأله بلکه به بیان مفهوم و بازنمایی مصادیق آن اهتمام داشته‌اند، بلکه یکی از رسالت‌های خود را احیاگری تفکر دینی می‌شمردند.

براین اساس، حرکت احیاگری تفکر دینی که از صد و پنجاه سال گذشته اوج گرفته بود و با نگرش‌های مختلف در صدد پاسخگویی به نیازهای عصری و بالتبع مسائل زنان بود، در مناطق شیعه‌نشین تحولاتی مقتدرانه ایجاد شد.

همه این دگرگونی‌ها به دنبال نهضت انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی (رحمة الله علیه) در ایران عزیز سرعت و جهت و سبقت خاص پیدا نمود (رک: مطهری، ۱۳۷۳).

به رغم همه تلاش‌ها، روند تحول درباره زنان در جوامع اسلامی در انتظار تحولات جدی‌تری بود، اختلافات در نظریه‌ها و گفتمان‌ها در عین التهاب زمینه ساز موج دیگری بود، این موج خود می‌بایست خیزش دیگری را در جهان می‌آفرید و زمینه را برای تحقق عدالت جهانی با وقوع یک انقلاب فکری و سیاسی دینی می‌گشود.

بر همین اساس نگرش امام خمینی (رحمة الله علیه) نسبت به گستره حقوق و وظایف زنان بسیار وسیع‌تر از آن چیزی بود که در اندیشه بسیاری از فقیهان ترسیم گردیده بود. مبانی فقه سیاسی ایشان در این امر دخالت جدی داشت و بر همین اساس می‌فرمود: «مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۷۰). از طرفی در خطاب به فقها اینگونه نظر داشتند که: «فقهای عادل موظفند که از نظام و تشکیلات حکومتی برای

۱- فضل‌الله، محمد حسین «تأملات اسلامیة حول المرأة» بیروت دارالماک، ۱۹۹۲، «دنیا المرأة» همان، ۱۹۹۸ و «قرانه جدیده لفقہ المرأة الحقوقی» بیروت دارالتقلین، ۱۹۹۷.

اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند... امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: خدای تبارک و تعالی از علما تعهد گرفته و آنان را موظف کرده که بر پرخوری و بهره‌مندی ظالمانه ستمگران و گرسنگی جانکاه ستمدیدگان سکوت ننمایند... تا در نتیجه آن بندگان ستمدیده، ایمنی یابند و قوانین، تعطیل شده، به اجرا در آید» (موسوی خمینی، بی تا، ص ۷۰-۷۱).

براساس این مبانی تفکر، نگرش حضرت امام (رحمة الله علیه) در هویت بخشی به ابعاد مختلف زندگی زنان و ارائه احکام متناسب با آن نیازی به تحول و تجدید نظر در تبیین وظایف و حقوق، در عرصه‌های مختلف داشت که تحقق این امور را از شنون و وظایف حضور زنان می‌شمردند.

۱۱. ضرورت تأملات جدی در منطق کلامی و سیاسی و فقهی آیت الله خامنه‌ای (دام ظلّه)

تداوم اندیشه امام خمینی (رحمة الله علیه) در دوران رهبری آیت الله خامنه‌ای و سیر تکاملی و تمدنی نقش زنان و رسیدن به طراحی الگوی سوم خود مستلزم تأملات جدی تری در اصلاح امور زنان در داخل و خارج انقلاب اسلامی بود که خود تحقیق مستمر جداگانه‌ای را طالب است. در این نوشتار، فقط به برخی از مهمترین گزاره‌های تبیینی و دستورالعمل‌های خاص ایشان در باب اصلاح امور زنان پرداخته شده است.

الف) دخالت و اهمیت عرصه‌های حضور زنان در عرصه‌های سرنوشت ساز و سیاستگذار

کلان تا مرحله مدیریت بلکه ولایت اجتماعی است که در گفتمان الگوی سوم از زن، از سوی ایشان مطرح است. روش ایشان، یک حرکت مستمر و رو به جلو به سمت قله عزت و استقلال اسلامی، براساس نقش زنان است. که در این باب معتقدند که: «به نظر من بزرگ‌ترین مقصر در این قضیه خود خانم‌ها هستند، یعنی خانم‌های باسواد و تحصیل کرده، خانم‌های اهل معرفت که باید وارد یک میدان مبارزه صحیح برای مسأله زن بشوند، به نظر من کوتاهی می‌کنند، کار را دست عامی، بی اطلاع و احياناً کسانی که دلشان می‌خواهد فقط حرف بزنند، رها کنند، این درست نیست. باید کار، صحیح و دست افراد سنجیده، عاقل و حکیم بیافتد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸).

ب) دیدگاه ایشان در گفتمانی که با جامعه فرهیختگانی، که نقش در توسعه گفتمان تمدنی دارند، این گونه تأکید شده که: «اما آنچه من میخواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیّتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر، ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم.... ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب

باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام (خامنه‌ای، ۱۴۰۰، بیانیه گام دوم).

ج) از سوی دیگر انتظارات ایشان از زنان فرهیخته ملازم با تلاش‌های خاصی است که بتواند پیشگامی خود را در عرصه‌های مسایل زنان حتی جبهه اجتهاد فقهی بگشاید. تأسیس دفتر استفتانات زنان از سوی ایشان، حضور زنان در درس خارج ایشان، تأکید بر پاسخگویی زنان در امور تخصصی زنان، تأکید بر تشکیل مجمع فراقوه‌ای در حل مسائل زنان، تأکید بر مدیریت عالمانه و مسئولیت‌پذیری زنان و ارتقاء اندیشمندان آنان در عرصه جهاد فرهنگی و در عین هویت‌یابی و نقش‌آفرینی او در امر مادری و همسری و... راهبردهای جدی و اساسی تری را مطرح کردند. ایشان رسالت رهبری را در هدایت و ارائه اصول اساسی و خطوط کلی را مطرح و بر توسعه فروع، توسط نخبگان را تا آخرین نشست با بانوان به مناسبت میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها مطرح نموده‌اند.

ایشان در پیام خود به دومین سمینار پزشکی در سال ۱۳۷۶ که برای حل مسائل فقهی، پزشکی، در دانشگاه فردوسی مشهد تشکیل می‌گردید؛ اینگونه فرمودند: «... به نظر من احکام مخصوص زنان را، مردها درست نمی‌توانند تنقیح کنند، برای تنقیح درست مسائل زنان باید پزشکان متخصص زن، موضوع را برای فقهای زن تشریح نمایند و این طور به نظر می‌رسد که فتوای زن، حداقل در این مورد برای زن، حجت باشد».

د) ایشان پیوسته از مظالمی که در عرصه درون خانه‌ای بر زنان می‌رود ابراز نگرانی می‌کند و می‌گوید: «مرد به خاطر اینکه قدرتمند و قوی بوده زور گفته و ظلم کرده و زن یک ستم تاریخی دارد. - التفتات کنید - قضیه، قضیه مبارزه با یک ستم تاریخی است. لذا اگر این مبارزه با عجله، با خام‌نگری، بدون تعمق و بدون ملاحظه اینکه می‌خواهیم چکار بکنیم، انجام بگیرد، بلاشک مبارزه را عقب خواهد انداخت».

ه) و بالاخره در ارائه الگوی سوم کار را به نهایت رسالت و ارائه راهبرد می‌رسانند و اینگونه می‌فرماید: «در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس زنانی ظهور کردند که می‌توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند».

از سوی دیگر تا آفتاب درخشان خدیجه کبری سلام الله علیها و فاطمه زهرا سلام الله علیها و زینب کبری سلام الله علیها می‌درخشد. طرح‌های کهنه و نو «ضد زن» به نتیجه نخواهد رسید و هزاران زن کربلایی ما نه تنها خطوط سیاه ستم‌های ظاهری را در هم شکسته‌اند، بلکه ستم‌های مدرن به زن را نیز رسوا و بی‌آبرو کرده و نشان داده‌اند که حق کرامت الهی زن بالاترین حقوق زن است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۵).

این رسالت جامعه زنان نخبگانی در امت اسلامی است و جهاد تبیین در عرصه جنگ ترکیبی و حماسی از سوی ایشان است. زن مسلمان راه دیگری جز استقامت در عرصه بیرون و تدبیر در عرصه درون راه دیگری برای تدارک عزت و استقلال ندارد. از قوام مایه‌های جهاد تبیین که شیوه مردان و زنان الهی چون زینب است - که بامدیریت تاریخی خود در بحرانی‌ترین شرایط توانست حاکمیت اموی را رسوا، و حقانیت حرکت حسینی را تا ابد پایدار سازد - قطعاً خواهد توانست بر اساس وعده الهی مبتنی بر «انّ الباطل کان زهوقاً» (اسراء، ۸۱) و منطق «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹) و برهان «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره، ۲۴۹) و «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد، ۷) حرکت‌هایی تاریخی و جهانی را با نیروی ایمان و توکل رقم بزنند.

این جهاد از مقاتله رو در روی عرصه جنگ ابدان، بسیار دشوارتر می‌نمود. پیش‌کسوتان این حرکت زنانی رشید چون خدیجه و فاطمه و زینب (سلام الله علیهما) و زنان اهل بیت (علیهم السلام) بایستی حقانیت حق را در دل ظلمت برای احرار تا ابد تبیین می‌نمودند.

نتیجه‌گیری

- امروز زن مسلمان در مواجهه‌ای جدی با تضارب آراء و تقابل نظرات قرار دارد. او میان مطالبات واقعی خود و مطالعات صورت گرفته از سوی مدعیان پاسخگویی توازن و انسجام لازم را به درستی نمی‌یابد، او دنبال الگویی جامع و نافع هست.
- حرکت مدعیان گفتمان زنان در دو قرن اخیر با ملاکات وارداتی و بین‌المللی براساس تجربه توانسته‌اند به گره‌گشایی مسایل زنان پردازند.
- پیشینه تاریخی و تحلیل پاسخ مدعیان پاسخگویی به مطالبات زنان نشان دهنده آن است که انطباق میان پاسخ‌ها و نیازها، در باره زن مسلمان معقول و جامع و مانع نبوده است. راه نجات را در فرهنگ قویم توحیدی و ابراهیمی و ندای حکیمانه علوی و سیره فاطمی و زینبی جستجو می‌کند.
- با لحاظ نیاز مذکور، پیشینه خیزش‌های فکری در مباحث زنان که بخشی از خارج فضای جوامع اسلامی و بخشی در درون جوامع دینی صورت گرفته، به سبب روشن نبودن ملاکات پاسخگو نبوده و نیازمند تحلیل و تاملات جدی در بوته نقد است.
- فقدان حاکمیت مبتنی بر قدرت سیاسی نظام دار و متکی بر جامعیت اندیشه اسلامی، انتظار آوردن یک اندیشه جامع و الگویی کارساز برای متفکرین اسلامی، آرزویی دیرینه بود.
- در اندیشه امامین انقلاب، جامعیت شخصیت انسانی زنان نه از باب تساوی با مردان و روش مقابله گرجنسیتی، بلکه اهمیت جایگاه زنان به عنوان عنصر تعیین کننده راه سعادت و اخلاق در درون خانواده و جامعه بود.
- در اندیشه حکیمانه رهبری معظم انقلاب، تأسیس مجمع فرا قوه‌ای، راهبرد گفتمان موضوع‌شناسی مسائل پزشکی و غیر پزشکی، ارائه چاره اندیشی فقهی از سوی زنان، امر به تأسیس دفتر استفتانات زنان با دراست و مهارت فقهی زنان، و ارائه الگوی سوم راهکاری نوین برای حرکت مستقیم زن مسلمان در مسیر عزت آفرین فرهنگ اسلامی بود.
- وجود این اندیشه ناب در رهبری ایران از مواهب عظیم الهی نسبت به زنان جامعه ایران اسلامی است.
- پیشنهادات: یافته‌های این پژوهش بر لزوم بازنگری اساسی در گفتمان‌های رایج پیرامون زن و ضرورت طراحی «الگوی سوم زن» بر مبنای مبانی اصیل اسلامی تأکید دارد. بر این اساس و با

- هدف حرکت از نقد وضعیت موجود به سمت ارائه راه‌حل‌های عملی و بومی برای توانمندسازی و عزت‌بخشی به زن مسلمان در دنیای معاصر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
۱. انجام مطالعاتی که ریشه‌های فکری و تاریخی گفتمان‌های اسلامی و غربی درباره زن را با دقت بیشتری واکاوی کرده و دلایل ناکارآمدی ملاکات وارداتی را روشن سازد.
 ۲. ضرورت طراحی «الگوی سوم زن» با الهام از سیره فاطمی و زینبی (سلام الله علیهما) و اندیشه‌های امامین انقلاب، با تأکید بر جامعیت شخصیت، نقش خانوادگی و اجتماعی، و سلوک عزت‌مندانه.
 ۳. ایجاد نهادهایی چون «دفتر استفتانات زنان»، توسعه «موضوع‌شناسی» مسائل روز، و حمایت از گفتمان‌های بومی برای تحقق عملیاتی الگو.
 ۴. تحلیل شیوه‌های دشمن در جنگ شناختی علیه زنان و ارائه راهبردهای دفاعی-تهاجمی مبتنی بر تبیین جذاب «الگوی سوم» و ارتقای سواد رسانه‌ای زنان.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، سید کاظم محمدی، (۱۳۶۹)، نهج البلاغه، قم: انتشارات موعود اسلام.

۱. احمد، لیلا، (بی‌تا)، *زنان و جنسیت در اسلام؛ ریشه های تاریخی جدال امروزی*، ترجمه: فاطمه صادقی، تهران: نگاه معاصر.

۲. احمدی‌نیا، مریم؛ بهشتی، سعیده، (۱۳۹۳)، *تیین و بررسی نظریه تربیتی فمینیسم و نقد آن از منظر اسلام*، چاپ اول، تهران: انتشارات هدایت میزان.

۳. آیت‌اللهی، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، *نگرش های اسلامی در مطالعات زنان*، چاپ اول، تهران: انتشارات فهم.

۴. پارسانیا، حمید، (۱۳۷۷)، *حدیث پیمانه*، چاپ سوم، تهران: نشر معارف.

۵. پزشکی، محمد، (۱۳۸۷)، *صورت‌بندی مطالعات زنان در جهان اسلام*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۶. توحیدی، نیره، (۱۳۷۶)، *فمینیسم اسلامی چالشی دموکراتیک یا چرخشی تئوریک*، چاپ اول، تهران: کنکاش.

۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۲)، *فن استدلال منطق حقوق اسلام*، چاپ اول، تهران: گنج دانش.

۸. جعفری، محمدتقی، (۱۳۸۱)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۹. جعفریان، رسول، (۱۳۸۰)، *مسأله حجاب و تأثیر اندیشه‌های قاسم‌امین مصری در ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۰. حرعاملی، محمد ابن الحسن، (۱۴۰۳ق)، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشرعیه*، چاپ پنجم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۱. حکیم‌پور، محمد، (۱۳۸۲)، *حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد*، چاپ اول، تهران: انتشارات نغمه نو اندیش.

۱۲. حاجی اسماعیلی، محمد رضا، راعی، مسعود، و دهقانی، لیلا، (۱۳۸۹)، *تحلیل مستندات قرآنی حیطة ی مدیریت بانوان با تأکید بر سه رویکرد اندیشه ی اجتماعی دینی، مطالعات راهبردی زنان*، (۴۹)، ۱۵۷-۱۹۶.

۱۳. زیبایی نژاد، سبحانی، (۱۳۷۹)، *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، چاپ اول، قم: معاونت امور اساتید معارف.
۱۴. سیدعلی، خامنه‌ای، (۱۳۹۰)، *زن و بازیابی هویت حقیقی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۵. سیدعلی، خامنه‌ای، (۱۳۸۵)، *زن از دیدگاه مقام معظم رهبری*، تدوین: دفتر مقام معظم رهبری، چاپ هشتم، تهران، انتشارت بی طرفان.
۱۶. شلیت، وندی، (۱۳۸۳)، *فمنیسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳*، چاپ اول، قم: دفتر نشر معارف (به اهتمام نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری).
۱۷. شمس‌الدین، محمد مهدی، (۱۹۹۵)، *اهلیه المرأة لتولی السلطنه*، بیروت: مؤسسه للدراسات و النشر.
۱۸. صدر، بنت الهدی، (۱۴۲۵ق)، *المرأة مع النبی صلی الله علیه وآله وسلم فی حیاته و شریعتہ*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. صدر، سید محمدباقر، (۲۰۰۵م)، *الاسلام یقود الحیاة*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. عبده، محمد، (۱۹۰۲م)، *الاسلام و النصرانیة بین العلم و المدنیة*، بیروت: دارالمعرفة.
۲۱. قراملکی، احد فرامرز، (۱۳۹۰)، *روش شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)*، چاپ ششم، مشهد: دانشگاه علوم رضوی.
۲۲. فضل‌الله، سید محمدحسین، (۱۳۷۶)، *دنیا المرأة*، بیروت: دارالملاک.
۲۳. فضل‌الله، سید محمدحسین، (۱۹۹۲م)، *تأملات اسلامیه حول المرأة*، بیروت: دارالملاک.
۲۴. قاسم امین، محمد، (۱۹۹۸م)، *تحریر المرأة*، قاهره: دارالشرق.
۲۵. الکلینی، محمد ابن یعقوب، (بی تا)، *اصول کافی*، ترجمه جواد مصطفوی، بیروت: نشر اهل بیت.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، (بی تا)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰)، *پانزده گفتار*، قم: انتشارات صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران.
۲۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، *ده گفتار*، تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. موسوی خمینی، روح‌الله، (بی تا)، *الرسائل*، قم: انتشارات طباطبایی.
۳۱. موسوی خمینی، روح‌الله، (بی تا)، *تحریر الوسیله*، مطبوعه الآداب، الطبعة الثانية، نجف اشرف.
۳۲. موسوی خمینی، روح‌الله، (بی تا)، *نامه ای از کاشف الغطاء (ولایت فقیه و حکومت اسلامی)*، بی جا.

۳۳. موسوی خمینی، (۱۳۶۱)، *صحیفه نور* (مجموع رهنمودهای امام خمینی)، تهران: چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.

۳۴. میرخانی، عزت السادات، (۱۳۹۸)، *تاریخ تحول حقوق زن در اسلام*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۳۵. میرخانی، عزت السادات، (۱۳۹۴)، *بحران هویت و رسالت خانواده در الگوی اسلامی ایران تربیت*، تهران: نشر الگوی پیشرفت.

۳۶. میرخانی، عزت السادات، (۱۳۸۱)، «اجتهاد، توسعه، مسائل زنان»، *فصلنامه ندای صادق*، شماره ۲۶ و ۲۷.

۳۷. هدایت‌نیا، فرج‌الله، (۱۳۹۶)، *الگوی سوم: الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه*، تهران: سازمان بسیج جامعه زنان کشور، انتشارات لشکر فرشتگان.

۳۸. یاری، یاسمن، (۱۳۹۴)، «حقوق اجتماعی زن در اندیشه قاسم امین»، *فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی*، دانشگاه تهران، شماره ۱۲.